

خاندانهای حکومتگر ایران

مظفر فیروز

مهره دوم

۱۱

سید ضیاءالدین طباطبائی با گزینش بنمایندگی مجلس از یزد وارد پارلمان شد دکتر مصدق که به هنگام کودتای ۱۲۹۹ در شیراز بجنگه او رفته بود در برابر او قدم علم کرد با اعتبارنامه مدیر روزنامه رعد بمبارزه پرداخت .

فیروز قول داد دایی خود را راضی کند و از این مبارزه منصرف دارد . دکتر هدایت الله متین دفتری تعریف میکند من خدمت دکتر مصدق بودم که مظفر نزد او آمد دکتر که دریافته بود فیروز برای چه آمده است پیشدستی کرده با او مجال صحبت نداد گفت :

«من بعنوان اینکه تو خواهرزاده من هستی رویت را میبوسم و خوش آمد میگویم ولی از نظر سیاسی روش ترا تقبیح میکنم اجازه نمیدهم کارگذار بریتانیا وارد پارلمان ایران شود .»

مظفر بعد از اصرارهای زیاد سرانجام با قهر ورنجیدگی شدید خانه دایی را ترک میکند .

فیروز وقتی دید این حربه برای پیشبرد کار او برنده نیست دنبال (مهره دیگر) رفت . وضع ایران در اینموقع شباهت بسیاری به اوایل قرن بیست و آغاز نهضت مشروطیت پیدا کرده بود .

دراواخر پادشاهی مظفرالدینشاه دیپلوماسی روسیه در باروقزاق و دولت و کشور ما را تحت سیطره کامل قرار داده بود تزاریسم از درگیری انگلیسها با بوئرها در آفریقا استفاده کرده تا کرانههای خلیج فارس پیش رفته بود ، در بندرعباس مشغول ساختن استحکامات بود .

امین السلطان (روس گرا) صدراعظم ایران، قوای اصلی نظامی در دست (قزاقهای روسی) بود ولیعهد را معلمان روسی تربیت میکردند .

اینجا بود که دیپلماسی انگلستان ابتدا با قرارداد ۱۹۰۷ تقسیم مناطق نفوذ و سپس با جانبداری از افکار آزادیخواهی و دسایس سیاسی حریف را (ناک اوت) کرد .

حال باز دیپلوماسی شمال سنگرها را گرفته است بنابراین نبرد سنگین دیگری لازم است تا کفه سیاست چپ از زمین بلند شود .

باید سیمای بظاهر ترقیخواه و بشر دوست و رخشنده کمونیسم لجن‌مان شود در تاریکی ترس و وحشت فرورود ، روسیه از زیر تخت حمایت‌طلبی از ملل ضعیف بزیر کشیده شود و بعنوان متجاوز و سنت‌شکن و استعمار سرخ شناخته شود . این نقش را هیچکس جز دست‌آموز استعمار و شاگرد با استعداد (لوانت سرویس) نمی‌توانست بازی کند ، نه اینکه به او آموخته بودند وقتی که می‌خواهد بجلد (کمونیست) رود چگونه همه چیز خود را حتی استعمال واژه‌ها ، فرم لباس ، مصرف نوشابه و غذا را باید تغییر دهد تا حریف بکلی سوابق ملی و نژادی او را نیر فراموش کند و از خود بداند .

سیمرغ مظفر را از سوئی با ما موران روسی و از طرفی با پیمشه‌وری و قوام نزدیک کرد این کار بقدری ماهرانه صورت گرفت که بمدانندک مدتی این سه جناح مظفر را کلید دشواریهای سیاسی یافتند که ما اینکه می‌گویند اساس فکر و تصمیم خود مختاری و جدایی آذربایجان در جلسه متشکل ما کزیموف سفیر شوروی و مظفر فیروز و پیمشه‌وری در خانه قوام پی‌ریزی شد (۱) .

این موفقیت بجز تر فیروز را در قلب گردانندگان سفارت روس جای داد ، بر نامه دوم تدارک نخست‌وزیری قوام و حکومت فیروز بود .

کابینه صدرالاشرف در مورد تفاهم با روسها و حل قضیه آذربایجان نتوانست کاری بکند (ابسترو کسیون) مجلس او را بر کنار کرد . حکیمی بایک دنیا امید و وعده پیش آمد او در شرف پرواز از تهران به مسکو بود که رنود کاسه و کوزه را بهم ریختند .

اینکار فقط از قوام ساخته است شیوه‌های سابق و لاحق با انگلیس و روس حلال این مشکل خواهد شد . در این موقع با سیاست (کاموفلاژ) و تازیانه‌های پنبه‌یی که از طرف انگلیسها برگردید قوام وارد می‌آمد و (اوپوزیسیون ساختگی) که سید ضیاء و دکتر طاهری اتخاذ کرده بودند . وقتی در بهمن ۱۳۲۴ از روسها نسبت به برگزیدن نخست‌وزیر جدید ابراز تمایل شد انگشت روی پسر معتمد السلطنه گذاشتند اینجا بود که (داوینک

استریت) از مظفر فیروز ابراز خرسندی کرده که بخوبی توانسته است برادر وثوق الدوله عاقد قرارداد ۱۹۱۹ را نزد حریف جا برند .

روزنامه لوموند دیپلماتیک (۱) در این مورد مینویسد :

« انگلیسها وقتی خواستند عامل خودشان را نزد روسها جا بزنند بوسیله کارگذاران درهمه جا شایع کردند که دیپلوماسی انگلیس شدیداً با زمامداری قوام السلطنه مخالف است چه اودشمن بزرگ انگلیسهاست . آنان بقدری باین شایعه با مهارت خاص دامن زدند و نزاعهای ساختمانی بوجود آوردند تا قوام را بعنوان عامل روسها بیازماندگان ساده لوح بطر کبیر جازدند گامهای نخست قوام در آغاز زمامداری هر گونه شبهه را از روسها بر طرف کرد او ابتدا سید ضیاء الدین و عمال سرشناس جنوب را بازداشت کرد ، بسوی مسکو راه افتاد با اسمالین ملاقات کرد کابینه ائتلافی تشکیل داد سه وزارتخانه را در اختیار رهبران کمونیست گذاشت مقاله نامه نفت شمال را امضاء کرد ولی سادچیکف امضاء کننده مقاله نامه و سفیر کبیر جدید شوروی چندان بدقوام خوشبین نبود به کارهای او باشک و تردید مینگریست . سیمرخ به مظفر رساند باید سادچیکف را براه آورد بنوشته مورخ الدوله سپهر این فیروز بود که سفیر زیرک شوروی را افسون کرد ، بدام انداخت و بسود قوام فریب داد (۲) .

قوام السلطنه نماینده طبقه اشراف و خودخواه ایران بود نرمش زیاداً برای کارها نداشت ؛ نیاز به یک کارگردان با استعداد داشت تا کارها را بامتنفذ داخلی و خارجی روبراه کند کار حضرت والادرمورد سادچیکف ، قوام را خیلی خوشحال کرد وقتی دولت به مجلس معرفی شد دکتر طاهری سخت در برابر قوام صف بندی کرده بود کاررأی اعتماد مجلس بمانند یک جراحی ظریف پلاستیکی باید طوری صورت گیرد که ردپایی برای کسانی چون سادچیکف بجا نگذارد این کار را نیز مظفر انجام داد کار دولت در مجلس چنان بخوبی گذشت که موقعیت قوام از هر جهت نزد روسها مستحکم شد .

قوام مرد مقتدر در کار دولت بود بقول مورخ الدوله سپهر وزیران کابینه در نظر او مثل منشیان بودند حق اظهار نظر زیاد نداشتند ولی آیامظفر نیز بمانند

۱- le Monde politipue, December 1948

۲- مجله خواندنیها شماره ۲۳ سال ۲۴ صفحه ۹ - ۲۰ آذر ۱۳۴۱ .

سایر وزیران بود ؟

فیروز عقل منفصل قوام بود چیرگی کامل بر فکر و روح او داشت بطوری که فرخ مینویسد :

« رئیس دولت بدون نظر فیروز آب نمی خورد حضرت والا مغز متفکر کابینه بشمار می آمد خود قوام می گفت مظفر فیروز یعنی «(۱)» .
از راه یافتن عموهای مظفر میرزا به کابینه : (سراشکر فیروز وزیر راه محمد ولی میرزا فرمانفرمائیان وزیر کار و تبلیغات) میزان نفوذ وی در قوام معلوم می شود .

این کابینه بعد از جنگ جهانی دوم چقدر شباهت به دولت بعد از جنگ جهانی اول را داشت؛ رئیس آن کابینه وثوق الدوله مغز متفکر آن نصرت الدوله بود حال نیز قوام السلطنه برادر وثوق الدوله رئیس این کابینه و پسر نصرت الدوله مغز متفکر این کابینه است .

گفتیم که دیپلوماسی حریف در ایران خیلی پیش افتاده بود درست بمانند اوایل قرن بیستم که روسها تمام کارها را قبضه کرده بودند و انگلیسها پیشنهاد قرارداد ۱۹۰۷ تقسیم ایران را بدو منقطه نفوذ شمال و جنوب کردند ولی آیا بعد از چهل سال باز این تقسیم پیش کشیده شد .

استوارت السوپ Stuart Elsoپ یکی از صاحب نظران سیاسی در این باره در روزنامه هرالد تریبون مینویسد :

« روسها و انگلیسها تجدید قرارداد ۱۹۰۷ نقشه تجزیه ایران را پیش کشیدند» . (روزنامه مدنی تترکیه) نیز با الهام از این دیپلوماسی از تجدید این قرارداد داد مناطق نفوذ گفتگویی کند و سپس از تجدید مقاصد نابکارانه دولت وثوق الدوله بحث می نماید .

پیروزی کمونیسم

و اما اینکه این نقشه خطرناک دو جانبه آنگلو کمونیسم بوسیله فیروز دست آموز نقابدار استعمار چطور پیاده شد باید بدنبال سفر قوام به مسکو و سپس بسراغ آذربایجان و سیاست لجن مال کردن چهره رخشنده سیاست روسیه رفت . پس از بازگشت قوام همه با بیصبری انتظار داشتند آذر بایجان سر جدا شده

۱- خاطرات سیاسی فرخ صفحه های ۹۲۸-۹۲۶-۹۲۷ .

ایران به تنش بپیوندد ، ولی مظفر فیروز با اعلام امضای قرارداد بین خود و پیشه‌وری از تبریز تمام آرزوهای استقلال‌طلبان را نقش بر آب کرد.
بر اساس مواد این قرارداد که با امضای مظفر فیروز و معاون نخست‌وزیر و رئیس هیأت اعزامی رسید ، قوای نظامی فرقه دموکرات ، ترکی زبان رسمی این حکومت ، اختیارات جداگانه مالی ، تصمیمات قانونی مجلس شورای پیشه‌وری ، گزینش استنادار خودمختار... برسمیت شناخته شد .
دکتر ژرژ لنینچافسکی این قرارداد را (یک پروزی محض کمونیسم) نوشته است (۱).

با این عمل آنکلو کمونیستی فیروز راه اقدام در سیاست امپریالیسم در ایران باز شد یکی فرو کشیدن روسها از برج عاج قدسیت سوسیالیسم به حوض چاه امپریالیسم سرخ و لیجن مال کردن سیاست ضد امپریالیسم کمونیستها، دیگر آغاز نقشه نهضت جنوب و بالنتیجه تقسیم ایران بدون نقطه نفوذ .
حدایی آذربایجان بشدت احساسات ناسیونالیستها را جریحه دار کرد، اساس ائتلاف وطنخواهان سوسیالیست را بهم ریخت ، قلم وزبان همه و من جمله امپریالیستها و گماشتگان آنان را علیه سیاست روسها به کار انداخت .
بدستور فیروز افسران فرقه دموکرات و حکومت آذربایجان به تهران فراخوانده شدند در لباس نظامیان روسی با بر نامه‌های حساب شده در مجامع و اجتماعات وحتىی خیا بانها ظاهر شدند و می‌خواستند بگویند اینان هستند آنهائی که دم از استقلال و شعائر ملی می‌زنند پیشنهاد می‌شود درجه این افسران بی سواد ، دانشکده ندیده برسمیت شناخته شود ژنرال پناهیان (وزیر جنگ آذربایجان) رئیس ستاد ارتش ایران گرد .

فیروز برای نشان دادن میزان دلبستگی خود به کمونیستها و باصطلاح نابودی ارتش ایران و ازسویی بدنام کردن روسها خود نزد پادشاه مملکت می‌رود و از رئیس کشور بزرگ فرمانده نیروهای مسلح ایران می‌خواهد با این پیشنهاد موافقت شود شاه این درخواست را رد می‌کند و می‌گوید :

« اگر دستم بریده شود چنین فرمان خیانت آمیز را امضا نخواهم کرد (۲)
پس نصرت الدوله در ایفای نقش آنکلو کمونیسم خود و جلب اعتماد روسها و غنبدین ظاهری بزیر پرچم داس و چکش بقدری افراط می‌کند که حتی در جلسات مذاکره تهران و آذربایجان تظاهرات زننده وضد ملی می‌نماید فرخ

Russian and the west in Iran 1918-19 p.362 - ۱

۲- خاطرات سیاسی فرخ صفحه ۹۴۸.

در این باره می نویسد :

« در جلسه‌ای که اعضای دو طرف صف کشیده و مقابل یکدیگر نشسته بودند مظفر فیروز یواشکی به آن طرف صف رفت و خودش را قاطی فرقه‌یی ها کرد که شاید کفه آنها را بقدم مبارک خود سنگین تر کرده و حرف آنها را بکرسی نشانند (۱) مظفر میرزا با کینه‌یی که داشت از عوامل مهمی بود که می‌خواست بین آذربایجان و تهران بیشتر فاصله بیفتد (فریدون ابراهیمی) جوان جاه طلبی که اغوا شده و آلت دست مظفر قرار گرفته بود و مقام دادستانی آذربایجان را بعهده داشت پس از نجات آذربایجان در بازجویی و گفتگوهای خود مظفر را (آتش افروز انقلاب آذربایجان) معرفی می‌نماید و اظهار می‌دارد که مظفر مؤکداً از من می‌خواست : « تمامی توانید اشخاص را اعدام کنید و نگذارید احدی از اینها زنده بماند و بعد برای تقویت حکومت پیشه‌وری بدستور قوام السلطنه سه صندوق چای ولی پرازا سکناس برای پیشه‌وری فرستاد با همین پول بود که پیشه‌وری و غلام یحیی توانستند چند ماه دیگر حکومت کرده وعده‌یی بی‌گناه را تیر باران نموده و بدار بزنند... (۲)

ولی پیشه‌وری که خود آدم پرسابقه‌یی بود ماهیت مظفر را می‌شناخت از اینرو به هنگام تحویل صندوقهای پول به غلام یحیی می‌گوید :

« بواو غلان بیزه یاخچی کومک الیراما اطمینان اله مله دیر » یعنی این پسر خوب بما کمک می‌کند اما قابل اطمینان نیست (۳) .

با کمک فیروز کابینه ائتلافی درست شد سه نفر از اعضای کمیته مرکزی حزب توده داخل دولت شدند خودوی نیز به مقام معاونت وزارت کار و تبلیغات و معاونت سیاسی و پارلمانی رسید (۱۰ مرداد ۱۳۲۵) همینکه زمینه از هر جهت برای واکنش سیاست جنوب و تجدید قرارداد تقسیم منطقه نفوذ ۱۹۰۷ فراهم شد آنگاه به پیاده کردن نقشه خود دست زد . (ناتمام)

۱- خاطرات سیاسی فرخ صفحه ۹۴۱ .

۲- خانواده خیانت یا شجره خمیثه صفحه ۷۹ .

۳- مجله خواندنیها شماره ۴۵۲ - ۴ اسفند ۱۳۲۷ .